



ارتباطات اجتماعی زیر سایه آداب اجتماعی

حتما شما هم شنیده‌اید که می‌گویند فلانی کلاس اجتماعی ندارد یا از آداب معاشرت چیزی نمی‌داند، همه ما در اجتماع زندگی می‌کنیم ...

حتما شما هم شنیده‌اید که می‌گویند فلانی کلاس اجتماعی ندارد یا از آداب معاشرت چیزی نمی‌داند، همه ما در اجتماع زندگی می‌کنیم و در روابطمان ناگزیر از ارتباط با سایر انسان‌ها هستیم و آداب اجتماعی از جمله اصولی است که باید از آن آگاهی داشته باشیم و ندانستن این اصول و فنون در جامعه مدرن امروزی می‌تواند مشکلات زیادی را در رابطه با سایر انسان‌ها برپایمان ایجاد کند.

اما این اصول و آداب چه چیزهایی هستند؟ آیا این اصول از کشوری به کشوری دیگر متفاوت است؟ چطور می‌توانیم این اصول را یاد بگیریم ... همه این سوال‌ها و پرسش‌هایی از این دست، ما را بر آن داشت تا به سراغ ستار افزا، جامعه‌شناس و کارشناس اجتماعی برویم و با او به واکاوی این موضوع بپردازیم.

آداب اجتماعی همان آداب معاشرت است؟

آداب معاشرت در واقع جزئی از آداب اجتماعی است.

تفاوتشان در چه چیزی است؟

آداب اجتماعی کلی‌تر است. معاشرت می‌تواند فقط منش‌ها را در بر داشته باشد، اما آداب اجتماعی فقط منش‌ها نیست می‌تواند خیلی چیزهای دیگر را هم در بر بگیرد مثلا کنش‌ها و واکنش‌ها را هم در بر بگیرد. در واقع یکی از مشترکات تمام فرهنگ‌ها الگوهای «آداب معاشرت« است. آداب معاشرت عبارت است از هنجارهای گفتاری و رفتاری که تعیین می‌کند فرد در موقعیت خاص اجتماعی چگونه به نحو قابل قبولی «خود« را ارائه و با «دیگری« ارتباط برقرار کند. در نتیجه، آداب معاشرت نوعی «الگوی ارتباط اجتماعی« است که در چارچوب آن افراد با یکدیگر به تعامل می‌پردازند.

حتما آداب معاشرت هم در کشورهای مختلف متفاوت است اگر به دلیلش چیست؟

از آنجا که تعامل اجتماعی انسان‌ها حول تامین مجموعه نیازهای زیستی و اجتماعی مشترك صورت می‌گیرد، میان تمام فرهنگ‌ها الگوهای ثابت و مشترکی در زمینه آداب معاشرت وجود دارد. اما در عین حال، چگونگی این الگوها در هر فرهنگی تابع نظام ارزش‌ها و باورهای خاص آن است. از این رو، گرچه همه جوامع برخی رفتارها را «مودبانه« و برخی دیگر را «خارج از نزاکت« می‌شمارند، اما این‌که چه چیزی مودبانه است یا نیست تنها به وسیله فرهنگ هر جامعه تعریف می‌شود

آیا آداب اجتماعی ما ایرانی‌ها ویژگی‌های خاصی دارد؟

همان‌طور که گفتم، این مساله زیاد در جامعه‌شناسی مطرح نمی‌شود و بیشتر به مردم‌شناسی مربوط است؛ اما آنچه من از زبان توریست‌های مختلف شنیده‌ام، مهمان‌نوازی و تعارف بیش از حد ما ایرانی‌هاست! می‌گویند ایرانی‌ها خیلی تعارفی هستند من از يك توریست شنیدم که می‌گفت ایرانی‌ها صبح زود وقتی هنوز کسی کاری انجام نداده می‌گویند خسته نباشید. یا اگر با کسی اختلافی دارند سعی می‌کنند در برابرش پنهان کنند و جلوی روی فرد تعارف بیجا می‌کنند.

به تعارف کردن و مهمان‌نوازی اشاره کردید. این خصوصیات در ذات بسیاری از ما ایرانی‌ها جای گرفته و از آن راضی هستیم، آیا مهم است که دیگران در مورد ما چه فکری می‌کنند؟

تعارف کردن یکی از هنجارهای جامعه‌ماست. همه وقتی می‌خواهیم از جایی خارج شویم یا این‌که وارد جایی شویم به هم تعارف می‌کنیم یا حق تقدم را به بزرگ‌تر می‌دهیم. اجرای این رسم اخلاقی رضایت ما را جلب می‌کند. رعایت هنجار جامعه تنها ناشی از وجود

پاداش یا مجازات نیست. ما در اجرای این قواعد نیاز به تذکر دیگران نداریم. این قواعد نزاکت جزئی از وجود ماست و به نحوی با آن آشنا هستیم و خود را موظف به اجرای آن می‌دانیم که به کار نبستن آنها در مواردی ما را دچار احساس گناه می‌کند.

افراد از همان آغاز کودکی و تشکیل شخصیت از طریق خانواده، پدر و مادر، دوستان و خویشاوندان خود بتدریج هنجارهای اجتماعی را فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود می‌سازند و می‌آموزند آنچه را که هنجار اجتماعی است، به کار بندند و آنچه را که خلاف هنجار اجتماعی است، به کار نیندند.

این که ما بدانیم در چه جامعه‌ای با چه فرهنگی زندگی می‌کنیم و براساس آن فرهنگ رفتار کنیم که اعتبار اجتماعی‌مان زیر سوال نرود، مهم است و باید اطلاع داشته باشیم. اگر بخواهیم مثلا به ژاپن برویم وقتی این آداب را بدانیم ارتباط بهتری با افراد برقرار می‌کنیم و بهتر به اهدافمان می‌رسیم.

نقاط ضعف و قوت آداب اجتماعی ایرانی را می‌توانید بگویید؟

آداب اجتماعی ما سازمان داده نشده است. آداب اجتماعی ما هیچ مشکلی ندارد. آداب اجتماعی جوامع دیگر هم مشکلی ندارد و هر جامعه‌ای آداب خاص خود را دارد، اما آدابی که در کشور ما هست دچار تهاجم فرهنگی بوده و سازماندهی نشده است. اگر بتوانیم همین داشته‌هایمان را سازماندهی کنیم، مشکلاتمان هم رفع می‌شود اما اگر بخواهیم جزئی بررسی کنیم، فکر می‌کنم کنش‌های ما یا همان آداب اجتماعی ما از نوع کنش‌های سنتی احساسی و عاطفی است اما به نظر من از نوع کنش سنتی خودش را کنده و چون نتوانسته‌ایم کنش‌های عقلانی را جایگزین آن کنیم، در مرحله کنش‌های احساساتی و عاطفی قرار گرفته و این کنش‌های احساسی خیلی زود شعله ور می‌شود و خیلی زود فروکش می‌کند. به نظرم این یکی از مسائلی است که مشارکت‌های اجتماعی در جامعه کاهش پیدا می‌کند.

اصلا من به عنوان يك فرد می‌توانم رفتارهای احساسی را کنار بگذارم و منطقی رفتار کنم؟

در اولین مرحله باید آگاهیمان را بالا ببریم. درصد مطالعه در کشور ما خیلی پایین است، ما خیلی راحت هر چیزی را می‌پذیریم بدون این که حتی به مفهوم آن پی برده باشیم این باعث می‌شود که احساسی برخورد کنیم. مثلا شما افرادی را تصور کنید که در جایی منتظر تاکسی ایستاده‌اند که تابلو ندارد و همه درهم و برهم ایستاده‌اند اگر یکی از راه برسد و بگوید بهتر است به صف بایستیم همه به صف می‌ایستند! هیچ‌کس هم به این فکر نمی‌کند که اگر با چند تابلو مسیرها مشخص بود خب هرکسی براحتی در مسیر خودش به صف می‌ایستاد! نظم خوب است اما باید میزانی وجود داشته باشد تا این نظم را نگه دارد ما می‌توانیم منظم باشیم اما باید شرایطی هم باشد که آن نظم را نگه دارد، باید نگهدارنده‌های نظم را هم در جامعه داشته باشیم. ما شرایط نگهداری این نظم را نداشتیم. در مورد کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی‌مان هم وضع به همین صورت است، ما ایجادکننده و نگهدارنده اصول و روابط اجتماعی را در جامعه نداریم. زمانی ارزش‌های سنتی داشتیم و براساس آنها رفتار می‌کردیم چه خوب و چه بد؛ اما آن ارزش‌های سنتی را از دست دادیم و ارزش‌های مدرن را هم جایگزین آن نکردیم.

به نظر شما رفتار مطلوب يك شخص در محیط اجتماعی باید چگونه باشد؟

همواره ادب در رفتار و گفتار به عنوان يك معیار مهم در ارتباطات اجتماعی مطرح است. بررسی واژه ادب و کاربردهای آن نشان می‌دهد که آداب به نوعی دربرگیرنده همه فعالیت‌های اجتماعی انسان از گفتار، کردار، کنش، منش و واکنش‌های اوست. از این‌رو، فعالیت نیست که از نظر اجتماع معیار ویژه به عنوان ادب بر آن صدق نکند؛ زیرا ادب چیزی جز ظرافت‌های رفتاری نیست؛ به این معنا که عمل هنگامی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که نخست از نظر اجتماعی قانونی بوده و هیچ منع قانونی نداشته باشد؛ این قانون می‌تواند احکام و دستورهای دینی باشد، یا سنت‌های اجتماعی یا قوانین رسمی حکومتی؛ بنابراین ظلم، دروغ، خیانت و دیگر کارهای ناپسند و زشت که موانعی از این دست دارند، نمی‌تواند در عنوان ادب جای گیرد. شرط دیگر این است که رفتار اجتماعی شخص باید از آن دسته رفتارهایی باشد که اختیاری است و فرد بتواند آن را به اشکال مختلفی ارائه یا انجام دهد؛ بنابراین اگر امکان تعدد رفتاری فراهم نباشد؛ نمی‌توان عمل را مصداقی از ادب یا بی‌ادبی دانست و معیار زشت و خوب، پسند و ناپسند را درباره آن؛ به کار برد.

راهکارهای تقویت آداب اجتماعی چیست و چگونه می‌توانیم این آداب را به فرزندانمان آموزش دهیم؟

چند نوع نظام داریم نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. نظام فرهنگی شامل مدارس و موسسات آموزشی و فرهنگی می‌شود و نظام اجتماعی هم شامل خانواده و... می‌شود. این دو نظام می‌توانند آداب اجتماعی را که در جامعه ماست، ارتقا دهند؛ هر چقدر يك خانواده تلاش کند که آداب اجتماعی را در فرزندش ارتقا دهد، اما چون در معرض تهاجم گسترده قرار می‌گیرد، روی آن بچه تاثیر می‌گذارد. ما باید اول جامعه را از بحران هویت نجات دهیم، بعد انتظار داشته باشیم آنچه را که به فرزندانمان انتقال می‌دهیم،

از طرف دیگر از آنجا که جامعه ما يك جامعه اسلامی است، اسلام و قرآن نیز هستی شناختی خاص خود را دارد و برای زندگی افراد جامعه اهدافی را مشخص ساخته است که باعث می شود در مجموعه رفتاری انسان های مومن تأثیرگذار باشد. از این رو، آداب اجتماعی به عنوان يك زیر مجموعه رفتار عموم مسلمانان معنا و مفهوم می یابد و معیارهای خاص خود را می طلبد، اگر به آیات و روایات اسلامی رجوع کنید، می بینید که اسلام برای همه شئون انسان مسلمان برنامه ریزی کرده و سر تا پای او را به ظرافت های عملی توجه داده است.

هیچ عملی از اعمال زندگی يك مسلمان جدا از ظرافت هایی نیست که برخاسته از اصل بنیادین توحید نباشد. قرآن در داستان ها و حکایت هایی که درباره چگونگی رفتار پیامبران بیان می کند، بخوبی آداب اجتماعی - قرآنی را به انسان ها می آموزد. در برخورد حضرت آدم(ع) پس از ارتکاب معصیت و خوردن از میوه درخت ممنوعه نشان می دهد که چگونه انسان گناهکار می تواند برخورد درست و نیکویی داشته باشد و با ظرافت از بخشی از پیامدهای عمل نابهنجارش رهایی پیدا کند.

در گفت و گوی پیامبران با خدا مانند گفت و گوی حضرت موسی(ع) با خدا یا مباحث و گفت و گو هایی که میان پیامبران با افراد اجتماع خود داشته اند، همواره به این ظرافت و حسن رفتار توجه داشته اند. بیان این نمونه های عینی و ملموس از ادب قرآنی - اسلامی می تواند بهترین راه شناسایی معیارهای ارتباط اجتماعی در قرآن باشد. از جمله آداب قرآن می توان به مسأله تحیت و سلام اشاره کرد.

قرآن ادب را در این می بیند که کسی اگر سلام گفت ادب آن است که به نحو بهتری پاسخگویی تحیت او باشید؛ خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا كُنْتُمْ إِلَىٰ أَهْلِهِمْ فَكُلُوا وَشَرِبُوا لَا تُفْسِدُوا آيَاتِ اللَّهِ﴾ (نساء 86) یا حضرت علی(ع) می فرماید: ﴿بِخَيْرِ مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ﴾ (بقره 171)؛ هنگامی که به شما سلام می کنند پس به بهتر از آن پاسخ دهید یا همان را در پاسخ آنان بگویید. ﴿وَإِذَا كُنْتُمْ إِلَىٰ أَهْلِهِمْ فَكُلُوا وَشَرِبُوا لَا تُفْسِدُوا آيَاتِ اللَّهِ﴾ (نساء 86) یا حضرت علی(ع) می فرماید: ﴿بِخَيْرِ مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ﴾ (بقره 171)؛ بهترین ادب آن است که از خودت شروع کنی. ﴿وَإِذَا كُنْتُمْ إِلَىٰ أَهْلِهِمْ فَكُلُوا وَشَرِبُوا لَا تُفْسِدُوا آيَاتِ اللَّهِ﴾ (نساء 86)؛ همه اینها می تواند میزانی برای عمل و رفتار ما در اجتماع باشد.

آداب اجتماعی در قانون کشور ما چه جایگاهی دارد مثلاً من شنیده ام انداختن آب دهان در برخی کشورها جریمه دارد، ما قوانینی در این زمینه داریم؟

کنترل های اجتماعی در هر جامعه ای باید وجود داشته باشد. متأسفانه این کنترل های اجتماعی در جامعه وجود ندارد، کنترل هایی که عقلانی باشند، ولی مثلاً در گذشته ما این کنترل ها را داشتیم مثلاً اگر در گذشته کسی کاری خلاف عرف و هنجارهای جامعه انجام می داد، توسط ریش سفیدان یا بزرگان جامعه کنترل می شد یا به صورت تلویحی یا به صورت نگاه خاص، خلاصه راهکارهایی وجود داشت، اما اکنون آن کنترل ها هم وجود ندارد، چون ارزش های سنتیمان را هم از دست داده ایم، با خلأ قانونی روبه رو می شویم.

هر چند اخیراً در برخی زمینه ها مثل بستن کمربند ایمنی اقداماتی انجام شده که تأثیرگذار هم بوده، ولی در برخی زمینه ها هنوز هیچ کنترل و پیگیری نیست. مثل انداختن آب دهان، بیرون ریختن زباله و..... من بارها دیده ام که شهروندان با عصبانیت تماس می گیرند که فلان جا زباله ریخته اند، من از این افراد تشکر می کنم چون يك شهروند احساس مسئولیت کرده و مشارکت می کند. درست است که وظیفه شهرداری است اما مشارکت شهروندان هم خودش ارتقای آداب اجتماعی است. می توانیم قوانین تشویقی برای شهروندانی که مشارکت می کنند، در نظر بگیریم و این می تواند مشارکت در جامعه را بیشتر می کند.

میزان سواد و طبقه اجتماعی در آداب اجتماعی تأثیر دارد؟

خیلی ها معتقدند که تأثیر دارد، ولی به نظر من تأثیر زیادی ندارد، چرا که خیلی اوقات کسانی که سواد پایین تری دارند یا به لحاظ اجتماعی طبقه پایین تری دارند؛ خیلی بهتر از افراد تحصیل کرده رفتار می کنند و گاه نکات و آدابی را در روابط اجتماعی شان رعایت می کنند که موجب تعجب می شود. بنابراین به تحصیلات و وضع اقتصادی ربطی ندارد همه این موارد به خانواده و گروه همسالانی که رفتار فرد در میان شان شکل گرفته و میزان مطالعه فرد برمی گردد. البته منظورم مطالعه علمی و آکادمیک نیست منظورم در جریان اوضاع جامعه بودن است؛ این که افراد در رفتارشان چقدر به اطرافشان دقت می کنند و براساس آن رفتارشان را شکل می دهند.

گاهی ورود فرهنگ ها و آداب دیگر جوامع چالش هایی به وجود می آورد، در این گونه موارد راهکار چیست؟

متأسفانه ما همیشه روش دافعه را در پیش گرفته ایم. این روش بیشتر افراد را کنجکاو می کند که ببینند در فرهنگ های دیگر چه چیزهایی وجود دارد. اگر روش دافعه را حذف کنیم باید همانند گذشته جوامع فرهنگی مختلف را بپذیریم؛ اما در مقابلشان عناصر فرهنگی خودمان را قرار دهیم و در تقابل اینها با همدیگر چیز جدیدی به وجود بیاوریم. مشکل این است که فرهنگ ها در مقابل هم قرار می گیرند؛ اما چیز جدیدی به وجود نمی آید؛ بنابراین همیشه این درگیری بین فرهنگ های مختلف وجود دارد. اگر دقت کرده

باشید، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلفی در جامعه ما به وجود آمده بدون این که سازماندهی شوند و حتی خودشان هم نمی‌دانند مثلاً انواع مدل مو ممکن است يك مدل مو در غرب معنای خاصی داشته باشد، اما وقتی وارد جامعه ما می‌شود براحتی تقلید شده و پذیرفته می‌شود بدون این که معنای آن را بدانیم، بیشتر اختلافات بین پدر و مادرها و فرزندان‌شان هم به دلیل این مساله است می‌گویند بچه‌ها حرف شنو نیستند؛ در حالی که به نظر من مقصر همه ما هستیم نه بچه‌هایمان.

سمیه افشین‌فر - جام‌جم